



به بهانه انتشار اثر تاریخی - پژوهشی «پدر ساواک»

فرجام تیمور!

■ شاهد توحیدی

زمان اکنون، نشان از سالروز ترور تیمور بختیار توسط ساواک در عراق دارد. به همین مناسبت بر آن شدیم تا یکی از مجموعه آثار منتشره مرکز اسناد انقلاب اسلامی برای نوجوانان و جوانان، که بدین موضوع اختصاص یافته را به شما معرفی کنیم. این جزوه مختصر، به رغم ایجاز، مطالب نسبتاً جامع از فرجام نخستین رئیس ساواک می‌نماید و فراز و فرودهای زندگی او را به خوبی نمایانده است. در دیباچه ناشر بر این اثر آمده است: «سرلشکر تیمور بختیار، چنان که از نامش پیداست، منتسب است به ایل بختیاری و با ورود ثریا اسفندیاری به عنوان ملکه به دربار محمدرضا پهلوی، با دربار همراه شد و چنان رشد نمود که مأموریت تشکیل و ریاست بر سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) به وی واگذار شد. بختیار در دوران نفوذ خود در کشور، زمین‌های زیادی را مالک شد و ثروت هنگفتی به جیب زد که اکنون با گذشت قریب به ۵۰ سال، سرمایه کلانی به حساب می‌آید. وی در مقام ریاست ساواک جهنمی ظلم کرد و خون‌های بی‌گناهان را ریخت، اما زمانی که به اوج رسید محمدرضا مانع او شد و از قدرت بسپارش هراسان گشت و... اما او که به حد خود از یغمای ثروت ملی قانع نبود(! بنای ناسازگاری گذاشت و در اندک زمانی، تشکیلات نظامی علیه رژیم را در خارج از کشور بنا نهاد؛ آن قدر دور برداشت که حتی در پیغامی به امام خمینی(ره) خواستار همراهی نهضت مردم انقلابی با خود شد! ولی امام با تیزبینی خود و به دلیل تفاوت انگیزه‌ها حتی نماینده وی را نیز به حضور نپذیرفت. اثر حاضر، روایتی است از آغاز تا فرجام تیمور بختیار؛ تقدیم به جوانان ایران اسلامی، با تشکر از زحمات محقق محترم، از تلاش‌های آقایان مهدی قربین



تیمور بختیار در حاشیه یک از معرکهای حارب بوده

مدیر سابق گروه هنر، دکتر رشید جعفرپور مدیر بخش ادبیات و دکتر اکبر اشرافی معاون پژوهشی و همکاران محترم در مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات قدردانی می‌گردد. فصل نخست این اثر به بازگویی و بررسی نسبت ایل بختیاری با رضانخان و فرزندش محمدرضا پهلوی می‌پردازد و به خصوص ایذا و آزارهای رضانخان نسبت به این قوم را بیان می‌دارد. در بخشی از این فصل آمده است: «شاید بتوان گفت لرهای بختیاری تنها گروه قومی بودند که به‌رغم دستیابی به مقامات عالی‌رتبه دولتی در دوران مشروطه و همکاری نزدیک با رضانخان سردار سپه جهت سرکوب شور‌ها و قیام‌های گوناگون در نقاط مختلف کشور، بعد از روی کار آمدن رضاشاه به شدت سرکوب و از مناصب خود برکنار شدند. مهاجرت بختیاری‌ها به تهران، به دلایل مختلف (نماینده‌گی در مجلس شورای ملی، وزارت و...) موجب ضعف طوایف بختیاری شد و رضاشاه از همین ضعف برای محو نقش نظامی بختیاری‌ها استفاده کرد. به دو هدف اساسی خود یعنی تشکیل قدرت ایلات و عشایر، خوانین و سرداران محلی و کنترل آنها با متلاشی نمودن بنیاد ایل نشینی و در حقیقت با این بردن آثار بازمانده از دوران «پادشاهی» به دو هدف اساسی خود یعنی تشکیل «قشون متحدالشکل» و «تمرکز قدرت» دست زد. رضاشاه برای دستیابی به این دو هدف دو مانع اساسی بر سر راه خود داشت: «مانع نخست اسمعیل خان صولت‌الدوله قشقایی یکی از بانفوذترین سران ایل قشقایی... و مانع دوم سردار [اسعد] بختیاری بود» که هر دو مانع توسط رضاشاه از بین رفتند. ناصر نجمی در مورد علل بازداشت جعفرقلی‌خان، سردار اسعد بختیاری، که مدتی نیز وزیر جنگ رضاشاه بود و همراه تنی چند از خوانین بختیاری در سال ۱۳۱۲ شمسی بازداشت شد، می‌نویسد: «این طور شایع شد که او [سردار اسعد] مجرمانه سلاح‌های وزارت جنگ را برای بختیاری‌ها فرستاده است. شمس‌با داشتند، می‌نویسد: «این طور شایع شد که او [سردار اسعد] مجرمانه سلاح‌های وزارت جنگ را برای بختیاری‌ها فرستاده است. رضاشاه بعداً پراساس گزارش آیسر گفته بود سردار اسعد می‌خواست محمدرحسن میرزا را از اروپا برای اجرای منظورهای خاص سیاسی به ایران آورد...».

■ محمدرضا کانیی

در روز‌هایی که بر ما گذشت عالم مجاهد و پیر آوازه افغانستانی زنده‌یاد آیت‌الله حاج شیخ محمد آصف‌محسنی‌روی از جهان برگرفت و رهسپار ابدیت گشت. او از حامیان صدیق انقلاب و نظام اسلامی بود و این را آشکارا در مواضع خویش نمایان می‌ساخت. به همین مناسبت، پیاده‌ای از دیدگاه‌های آن زنده‌یاد در باب «انقلاب اسلامی ایران و تأثیرات آن بر جنبش‌های منطقه‌ای و جهانی» را مورد بازخوانی تحلیلی قرار داده‌ایم. امید آنکه تاریخ‌پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ عوامل عینی بیداری اسلامی در دوران معاصر

چند سال قبل و به گاه درگرفتن نسیم جنبش‌های دینی و ملی در کشورهای اسلامی و عربی، بازار تحلیل درباره منشأ و چند و چون این پدیده، بسا داغ و پرووق بود. در چنین شرایطی زنده‌یاد آیت‌الله حاج شیخ‌محمد آصف‌محسنی، پیشینه قیام با مقاومت نیروهای اسلامی خاورمیانه را منشأ این خیزش بزرگ دانست. وی در این باره گفت: «در ابتدای کلام متذکر می‌شویم در بیداری اسلامی عواملی وجود دارند که برای شناخت این واقعه باید به این عوامل توجه کنیم. اگر بخواهیم این عوامل را در همین ۵۰ سال اخیر نام ببریم، باید به این موارد اشاره کنیم. اول: قیام مردم مسلمان ایران، دوم: قیام حزب‌الله در لبنان. خیلی تکان دهنده بود که در جنگ تمام کشور‌های عربی با اسرائیل، به‌خصوص مصر که بزرگ‌ترین کشور عربی بود، آنها شکست خوردند. اسرائیل طرف شش روز، قسمت‌های عمده‌ای از آن سرزمین را گرفت که تاکنون بلندی‌های جولان در دست اسرائیل است. آنها هیچ کاری نتوانستند بکنند. این کشورها در آن زمان، ابروی جهان اسلام را بردند! حزب‌الله طی ۳۰ تا ۳۳ روز نگذاشت آنها داخل مرز لبنان شوند! یک حزب در مقابل یک کشور تا بن دندان مسلح این چنین مقاومت می‌کند! این مورد مانند چیزهایی است که بعضی اوقات انسان خیال می‌کند از قبیل سیمرغ، کوه قاف و... که از تخیلات انسانی است ولی اگر دیگران شک کنند، ما شک نمی‌کنیم. ممکن است مثلاً ۵۰ سال بعد در این باره تردید کنند اما امروز نمی‌توانیم تردید کنیم. ما به چشم‌های خود ۳۰ روز مقاومت را دیدیم. حزب‌الله مقاومت کرد و آنها شکست خوردند و پیمانی که بسته شد بین دو حکومت نبود، بلکه بین یک حکومت و یک حزب بود. سوم: مقاومت فلسطین سپوین‌عامل برای بیداری است. فلسطینی‌ها واقعا مقاومت کردند. اکنون هم به مقاومت خود ادامه می‌دهند. چهارم: ۱۴ سال مقاومت و جهاد مردم افغانستان در مقابل تجاوز شوروی سابق بود. این مردم یک میلیون تلفات دادند یا به تعبیری که مبالغه نشود، حداقل صدها هزار تن کشته شدند ولی شوروی‌ها شکست خوردند، پوسیدند و رفتند! این بزرگ‌ترین نمایش نه رازنامه در آنجا بود، نه آزادی، نه تلویزیون و نه رادیویی و نه حتی مردم شوروی و سایر مردم از تیراندازی‌ها، کشتارها و بمباران باخبر بودند. ظالمانه افغانستان را کوبیدند ولی این مردم مقاومت کردند».



آیت‌الله حاج شیخ محمد آصف محسنی در دیدار با رهبر معظم انقلاب در حاشیه یکی از گفتارهای وحدت اسلامی

«انقلاب اسلامی ایران و تأثیرات آن بر جنبش‌های منطقه‌ای و جهانی»

در آیینه تحلیل زنده‌یاد آیت‌الله حاج شیخ‌محمد آصف‌محسنی

پافشاری ایران بر اصول خود

دنیا را متحیر کرده‌است

■ انقلاب اسلامی ایران، پیشقراول بیداری

اسلامی در جهان

همان‌گونه که اشارت رفت، آیت‌الله محسنی در تحلیل‌های خویش در باب منشأ حرکت‌های عدالت‌خواهانه امروز در جهان اسلام، انقلاب اسلامی را پشتتاز می‌دانست و جنبش‌های بعدی را الگوپروری شده از آن: «آن عاملی که در این باره حرف اول را برای گفتن دارد، انقلاب اسلامی و واقعه نظام اسلامی در ایران است. انقلابی که در دوران شما کوتاه بود، برای مردم افغانستان ۱۴ سال طول کشید! در فلسطین نیز این انقلاب تا امروز ادامه دارد اما در ایران شاید سه، چهار ماهی گذشت و انقلاب پیروز شد که خود امام(ره) در یکی از سخنرانی‌هایشان فرمودند: این انقلاب زودرس بود، زود پیروز شد!... خیلی مهم است از عمر این نظام ده‌ها سال می‌گذرد و با تمام فشاری که دنیا دارد می‌آورد، اصول خود را حفظ کرده است. گاهی اوقات در خلوت خود فکر می‌کنم گویی در یک بیابان که در ختی، ساختمان و نشانی از حیات نیست و پستی و بلندی ندارد، تنها یک زمین هموار است، از هر طرف باد هجوم آورده و در حال حرکت است و در این میان تنها یک شمع روشن باقی است که هنوز خاموش نشده و ده‌ها سال است این



آیت‌الله حاج شیخ محمد آصف محسنی



آیت‌الله آصف محسنی: «امروز فعالیتی که ایران می‌کند و توانایی هسته‌ای که دارد و اسلامی که دارد، هیچ‌یک از کشورهای منطقه توان آن را ندارند. این برای مسلمانان سؤال به وجود می‌آورد که چرا مصر این کار را نکرد؟ چرا ترکیه چنین توانی ندارد؟ چرا اینها که در محاصره و تحریمند توانستند این قدرت را به دست آورند؟ با وجودی که تحریم‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی به آنها تحمیل می‌شود کشور خود را حفظ کرده‌اند»



آیت‌الله آصف محسنی: «خیلی مهم است از عمر این نظام ده‌ها سال می‌گذرد و با تمام فشاری که دنیا دارد می‌آورد، اصول خود را حفظ کرده است. گاهی اوقات در خلوت خود فکر می‌کنم گویی در یک بیابان که در ختی، ساختمان و نشانی از حیات نیست و پستی و بلندی ندارد، تنها یک زمین هموار است، از هر طرف باد هجوم آورده و در حال حرکت است و در این میان تنها یک شمع روشن باقی است که هنوز خاموش نشده و ده‌ها سال است این شمع خاموش نشده، در حالی که تمام دنیا مخالف انقلاب ایرانی‌هاست»

است. در جاهای دیگر نیز وجود دارد. یمن را مشاهده کنید. در یمن غرب بسیار مقاومت کرد، سعودی‌ها بسیار مقاومت کردند ولی فایده نداشت و هنوز هم مردم یمن به تلاششان ادامه می‌دهند. اینها همه اسلام را می‌خواهند. در اثنای بیداری اسلامی بعضی از غرب‌زبان، مردمان و مرعوبین در افغانستان می‌گفتند نه این مردم برای اسلام حرکت نکردند، اینها برای شکم و زندگانی خود قیام کردند! اما عاقل این حرف را نمی‌زند، می‌گوید اینها برای اسلام قیام کردند».

■ نفی انگاره غیراسلامی بودن جنبش‌های منطقه

جماعتی از روشنفکران که با اندیشه و انگیزه دینی سرسراز نشناختند، از طلیعه وقایع عدالت‌خواهانه در خاورمیانه، تصمیم گرفتند تا نقش مذهب را در آن کمرنگ نشان دهند. هر چند عاقبت چهره‌هایی چون محمد مرسی علما نشان داد که این راه به کجا ختم خواهد شد اما از همان آغاز اندیشمندان و متفکران اسلامی در برابر این ایده صفا رایج کردند. آیت‌الله محمد آصف‌محسنی درباره تلقی غیرمذهبی از وقایع حوزه بیداری اسلامی می‌گوید: «ظاهر وقایع این کشورها در ایام اخیر اسلامی نبود. اگر حادثه را به شکل ظاهری پیگیری کنیم از روزی که آن دوره‌گرد تونس‌ی خود را آتش زد، تا چندین دهه بعد از قیام و نگذاشتند شکم خود را پر از آتش کنند! آخوند‌ها چه می‌فهمند؟! اما روحانیون امروز در عرصه هستند. دنیا امروز از همین آخوند‌ها می‌ترسد که به علت توانایی و قدرت زیاد، بمب اتمی درست نکنند! امروز فعالیتی که ایران می‌کند و توانایی هسته‌ای که دارد و اسلامی که دارد، هیچ‌یک از کشور‌های منطقه توان آن را ندارند. این برای مسلمانان سؤال به وجود می‌آورد که چرا مصر این کار را نکرد؟ چرا ترکیه چنین توانی ندارد؟ چرا؟ چرا اینها که در محاصره و تحریمند توانستند این قدرت را به دست آورند؟ با وجودی که تحریم‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی به آنها تحمیل می‌شود کشور خود را حفظ کرده‌اند. اینها در حالی است که در زندان محاصره و تحریم گرفتار شدند. از کجا و چگونه می‌توانند این کارها را انجام دهند؟»

■ آثار انقلاب اسلامی ملت ایران

آن عالم نامور تأثیر جمهوری اسلامی بر فرآیندهای عدالت‌خواهانه خاورمیانه را به دلیل تأثیرات آن در چهار دهه اخیر می‌داند و نقش روحانیت در آن را بی‌دیل می‌انگارد. او در مقام تبیین چند و چون این تأثیرات اظهار می‌دارد: «الان این حکومت ده‌ها سال است که در مقابل دنیا حکومت می‌کند، نه بر ملت ایران بلکه در مقابل دنیا. استکبار هم وحشت کرد، مردم دیدند ایران فناوری دارد، همه چیز دارد، حتی اگر هیچ چیز از خارج نیاید. نمونه عملی‌اش را دیدند و این امر محسوس بود. وقتی یک سؤال عمومی در بعضی از کشور‌های عربی مطرح شد که فرد محبوب شما کیست؟ همین عرب‌های سنی گفتند رئیس‌جمهور اسلامی یک کشور شیعی! این حسنی مبارک همان هنگام که محبوبیت اینها را شنیدند، باید خودکشی می‌کرد! ادانسان از تلویزیون کشور‌شان پیش‌نشود و یک مرتبه که برایشان مجال پیدا شد، قیام را علنی کردند و در واقع و ریشه، این اسلام بود که امثال زین‌العابدین بن علی‌را را وادار به فرار کرد. مردم ندا سمر می‌دادند ما حکومت اسلامی می‌خواهیم. در تلویزیون رئیس‌جمهور سابق فرانسه را می‌دیدیم. این فرد فقط برای سینما خوب است که برقصد! این موجود پست و مجنون به مردم لبیبی، تونس و... می‌گفت شما می‌گویید اسلام می‌خواهیم؟ ما اسلام می‌خواهیم یعنی چه؟ اینها را کنار بگذارید! اما مردم این کشور‌ها با کمال وقار می‌گویند ما اسلام می‌خواهیم. چند وقت پیش یکی از سران اسرائیل گفت ما به دردی ناعلاج گرفتار شدیم. تمام این وقایع کشور‌ها و عرب‌ها به گرایش اسلامی است و برای ما مشکل شده است. این مردم با ایمانشان قیام کرده‌اند. برای مصری‌ها خیلی تحقیر بود که تحت تأثیر کشور کوچکی چون اسرائیل بودند. گاز‌شان با قیمت بسیار کم برای اسرائیل می‌رفت. مبارک و انورسادات مانند فرعون‌های مصر بودند اما فراعنه مصر به مراتب بهتر از اینها بودند. آن فرعون مصری آن قدر عرضه نداشت که گفت انا ربکم الاعلی. این مردانگی را داشت و گفت من پروردگار

عالم هستم اما این خبیث‌ها اقل آن عبارت را هم نمی‌توانستند بگویند. صددرد وابسته به آمریکا بودند، مردم تحقیر شده بودند، همه چیز را از ایران فهمیدند که این مسلمان‌ها کار خود را به دست خود گرفتند».

■ وظیفه ما در قبال بیداری اسلامی

زنها به اندیشمندان و بدنه جامعه اسلامی درباره امکان انحراف جریان بیداری در خاورمیانه، از جمله دغدغه‌های آیت‌الله محسنی در سالیان اخیر بود. وی در یکی از گفت و شنودها در این باره گفت: «عمده وظیفه ما خصوصاً جمهوری اسلامی ایران با همین تلویزیون‌هایی که در خارج ایران دارد، این است که این حرکت بیدار ساختن را ادامه دهد. بزرگ‌ترین مشکلی که در مقابل بیداری هست و ما نسبت به آن احساس خطر می‌کنیم، موج‌سواری موج‌سواران بین‌المللی است. اینها بسیار در این کارها نخبه‌اند، پول‌های زیادی می‌دهند و مصرف می‌کنند و به درازمدت خود فکر می‌کنند اما امریکا نمی‌داند فردا موج بیداری اسلامی گلوی غرب را در غرب می‌گیرد. حکومت‌ها را اساقط می‌کنند: یژنْها عتبادی الصّالِحُون... آنها به اقسام گوناگون موج‌سواری می‌کنند و این خطری است که باید مراقب آن بود. مهم‌ترین وظیفه ما این است که این بیداری را جهت دهیم. در آفریقا، آسیا و... به گوش دیگران برسانیم، بگوییم بایبید بر اسلام خود مواظبت کنیم و فریب غرب را نخوریم. آنها دشمن دین و دنیای شمایند و بگویم مواظب باشید سیاستمدارهایی را که خائن، دن و وابسته غرب هستند از صفوف خود جدا کنید. این بزرگ‌ترین وظیفه ما در این شرایط است».

■ چالش‌های قابل رصد در برابر بیداری اسلامی

در دهه اخیر آسیب‌شناسی انگیزش و خیزش اسلامی موجود در کشور‌های حوزه بیداری اسلامی، بخشی از بضاعت فکری علما و نخبگان جهان اسلام را به خویش اختصاص داده است. زنده‌یاد آیت‌الله محمد آصف‌محسنی نیز از این قاعده مستثنا نبود و دیدگاه‌های خویش در این باره را به شرح ذیل بیان کرد: «در شورایی اجتماعی که برنامه‌اش به‌طور مستقیم از تلویزیون بخش می‌شد، این را گفتم که بیداری اسلامی برای ما مهم است ولی پیش‌بینی نیز کردم که ممکن است در مصر با ظواهری که وجود دارد، امریکا تا آخرین مرحله بکوشد یک حکومت ملی اسلامی اصیل تشکیل نشود تا چه رسد به یک حکومت ناب اسلامی. گفتیم الان دلپش را می‌گویم، دلپش همان اسرائیل است. اگر مصر کاملاً اسلامی شود یا یک دولت ملی بپاید و به اصطلاح خودشان وطنی بپاید، عملی برای اسرائیل خطرناک می‌شود. غریب‌ها این را می‌خواهند. بیش از ۵۰ سال است که میلیاردها دلار مصرف می‌کنند تا اسرائیل باقی بماند، مگر خدا بخواهد مردم واقعاً در کار باشند و نگذارند انقلابیان از مسیر خارج شوند. وقتی من گفتند چغند نفر در ایران در کنفرانس بیداری اسلامی شرکت کرده بودند، همین که در فرودگاه قاهره رسیدند آنها را دستگیر کردند، به کربلا رفت و در شوروا گفتیم بادم آمد که در حدس خود اشتباه نکرده بودم. آنها نمی‌خواهند کسی به ایران بیاید و درس بیداری اسلامی را فرابگیرد، بنابراین اینها هنوز طرفدار امریکا هستند. امریکا نمی‌گذارد کار صحیح انجام شود. آنها می‌گویند اگر بتوانیم آنها را از بیرون و خارج جهت دهیم، شاید اراده‌های مردم سست شود. نکته دیگری هم متذکر می‌شوم. فکر می‌کنم بالاتر و مهم‌تر از بیداری اسلامی، بیداری دیگری نیز هست ولی کمتر بدان توجه می‌شود. گاهی می‌گویم دو برابر بیش از آنچه برای بیداری اسلامی دعا می‌کنید، برای بیداری غربی‌ها باید کنید. این جوان‌های غربی که در کل امریکا بر ضد وال‌استریت راهپیمایی می‌کنند، بزرگ‌ترین خدمت را به جهان بشریت انجام می‌دهند. تعصب نداشته باشید. واقع آن اشهدان لا اله الا الله! این جوان‌های غربی که به شوروی رفته بودم، بعضی از آنها در جلسه گریه می‌کردند، صددرد روحیه خود را باخته بودند. یک نفر از آنها را مسلمان کردم. صدا کرد: او را بیا و امریکا به دست کسانای بلد بودم، خیلی از آنها را در آن جلسه مسلمان می‌کردم. آنها روحیه‌شان را از دست داده و از داخل پاشیده بودند. هیچ روحیه‌ای نداشتند. یک موقع وزیر خارجه تاجیکستان آمد به ما گفت شوروی‌ها از داخل اختلاف دارند، نترسید، آنها از هم پاشیده و در مذاکره شکست می‌خورند. هنوز هم همین اسلحه‌ای که شوروی داشت، الان در روسیه و اوکراین هست و تکان نخورده است. نظام سرمایه‌داری نیز می‌داند. این نظام از داخل می‌پاشد، به وسیله همین جوانان غربی، اگران بیاشد و حکومت‌ها و دولت‌ها از اروپا و امریکا به دست کسانای بلد بودم، خیلی آرای مردم هستند برسد، استثمار ضعیف، عدالت اجتماعی در شرق و غرب بهتر و نظام اقتصادی عادلانه‌تر می‌شود و این شرایط از بین می‌رود. امروز سالانه ۲۰۰ میلیارد دلار از جیب کشور‌های کوچک به عنوان ربا در جیب بانک‌های فرامبتی می‌رود. همه اینها تخفیف می‌یابند و نظام خوب می‌شود».